

تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری

از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه

جواد رحمانی*

محمدتقی پیربابایی**

مرتضی شجاری***

چکیده

مفهوم مشارکت در مدیریت شهری از مباحث مهم و پرچالش شهرسازی است. مدیریت شهری ایران در ارتباط متقابل و ارگانیک با برنامه‌ریزی شهری نیست. متأسفانه در کشور ما بیشتر اقدام‌های مدیریت شهری، از بالا و از بیرون انجام شده که اکنون نیاز به حرکتی از پایین و از درون، برای بومی‌شدن آنهاست. با توجه به پتانسیل‌ها و همچنین چالش‌های پیش روی مشارکت مردم در ایران و وجود اشخاصی همچون علامه طباطبایی رحمته الله علیه که در این زمینه اظهار نظر جامع و کاملی دارند؛ می‌توان از وجود چنین افرادی برای بومی‌سازی مفهوم مشارکت در ایران بهره جست. به همین منظور در پژوهش حاضر ابتدا به تحلیل و بررسی نقش مشارکت در مدیریت شهری پرداخته‌ایم و در ادامه با استفاده از نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی رحمته الله علیه (استخدام، اجتماع و عدالت؛ مُلک اجتماعی؛ شورا؛ رئالیسم تعاملی و ولایت جامعه اسلامی) به تبیین نظریه‌های علامه طباطبایی رحمته الله علیه در مورد مشارکت شهروندان و نقش آنان در حکومت از نظر علامه طباطبایی رحمته الله علیه اشاره کرده‌ایم. سپس نقش حکومت در جامعه اسلامی را بیان نموده‌ایم و به این نتیجه رسیدیم که از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه مشارکت شهروندان در مدیریت شهر امری اجتناب‌ناپذیر است و مدیر شهر نمی‌تواند بدون مشورت گرفتن از گروه‌های ذی‌نفع و صاحب نفوذ که اصلی‌ترین آنها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم‌گیری، قانونگذاری و اجرا کند و حتی خود بر کار خودش نظارت داشته باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت، مدیریت شهری، اسلامی، علامه طباطبایی رحمته الله علیه

* دانشجوی دکتری شهرسازی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، (نویسنده مسئول)

Email: J.Rahmani@tabriziau.ac.ir

Email: pirbabaee@tabriziau.ac.ir

Email: shajari@tabrizu.ac.ir

** استادیار گروه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

*** دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۴/۱

۱. مقدمه

آمار و مدارک بیانگر آن است که در سال ۱۹۵۰م، تقریباً ۲۸ درصد و در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند، جهان همچنان با روند رو به رشد شهرنشینی روبه‌روست؛ به‌گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰م، بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (مرگان، ۲۰۰۳^۱، ص ۷). این رشد سریع و بی‌رویه شهرها و انبوه جمعیت شهرنشین جهان بیش از هر زمان دیگری نه تنها معنای هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن به‌ویژه در شهرهای بزرگ و مناطق پیرامون آنها را تغییر داده است؛ بلکه مدیریت شهری را به یکی از پیچیده‌ترین و اصلی‌ترین عرصه‌های روابط حکومت و مردم تبدیل کرده است (جیمز، ۱۹۹۱^۲، ص ۱۱).

مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است که هدف آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGO) برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آنها با نتایج بهینه است. اندیشه اولیه کارآمدی مدیریت شهری در مؤلفه‌هایی چون در خدمت گرفتن سرمایه بیشتر، صنعتی شدن، نیروی کار بیشتر و به‌طور کلی در رشد کمی دیده می‌شد؛ ولی تجربه‌های جهانی به خصوص مطالعات بانک جهانی نشان داده است که این رویکردها نتوانسته بهبود فضای زیست، به خصوص در کلان‌شهرها را در پی داشته باشد و هر روز موانع زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی و به‌طور کلی فضای این رویکردها نمایان‌تر می‌شود. نهایت این روند تحول، به دیدگاه و تئوری‌های توسعه پایدار، شهر انسان‌گرا و حکمرانی خوب شهری - اداره مردمی شهرها - ختم شده است که امید می‌رود رهیافت‌ها و رویکردهای نوین مذکور، به‌ویژه حکمرانی خوب شهری به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت نظام پیچیده و چند سطحی امروزه مدیریت شهرها را بهبود بخشد (ترابی، ۱۳۸۳، ص ۵).

فراخواندن مردم به مشارکت در امور شهر، از جمله تئوری‌های «مدیریت مشارکتی» است. در حقیقت، مشارکت مردم در شهرسازی، پایه‌های شهرسازی را قوام بیشتری می‌بخشد. به یقین انسان محور اصلی توسعه است. وجه تمایز انسان، در واقع در مشارکت اجتماعی و زندگی جمعی او به همراه اصل مشارکت نظام یا متفکرانه، نهفته است. پیشرفت‌های بشری نیز همگی مرهون مشارکت گسترده اجتماعات است (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۵۶).

علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه فیلسوف اسلامی معاصر در رابطه با مردم‌سالاری مباحثی را مطرح کرده است. طرح این موضوع در آثار و دیدگاه‌های علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه به‌گونه‌ای پیچیده است. علامه در جایی، به‌کارگیری اصطلاح دموکراسی اسلامی را تخطئه می‌کند (طباطبایی، بی تا الف، ج ۲، ص ۲۲۲) و در عین حال، در جایی دیگر، روش اسلام را به روش کشورهای دموکراتیک مانند می‌کند

1. Morgan

2. James

(طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۰)؛ چنان‌که در جای دیگر آن را به روش کشورهای سوسیالیستی مانند کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۵)؛ وی در جای دیگر از حکومت اجتماعی دینی سخن می‌گوید (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۶۴) علامه در مواردی نیز به صراحت از دموکراسی انتقاد می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۱۰ و ۱۱۹).

با توجه به مطالب ذکر شده، به‌طور قطع نمی‌توان تفکر سیاسی علامه طباطبایی رحمته‌الله را به صورت دموکراتیک و مردم‌سالارانه یا برعکس آن دانست. در این پژوهش پس از بررسی امکان سازگاری اندیشه سیاسی علامه طباطبایی رحمته‌الله با مردم‌سالاری دینی؛ به تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله پرداخته خواهد شد.

۲. طرح مسئله

مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و همه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی است. مشارکت، فرایند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنهاست و به همین خاطر شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان از آن به‌عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن راندند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۴۴). بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی است؛ بنابراین افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای را ایفا کند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۶). اگر شهروندان، مشارکت در اداره شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت، شهروندان در قالب گروه‌های کاری به شکل‌گیری و تقویت خصایصی، نظیر خودرهبی، خودمسئولیت‌ورزی مبادرت می‌ورزند و زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده خواهند کرد.

مدیریت شهری در ایران در رابطه متقابل و ارگانیک با برنامه‌ریزی شهری نیست. حال آنکه این دو باید در پیوند و تأثیرگذاری مداوم از یکدیگر باشند. متأسفانه در کشور ما، مدیریت شهری تحت تأثیر تعیین‌کننده ساختارهای کلان و محیط قرار دارد که حاصل عقب‌ماندگی «شهرگرایی» از «شهرنشینی» و پیشی گرفتن «رشد» از «توسعه» شهری، و تشکیل نشدن جامعه مدنی است. بیشتر اقدام‌های مدیریت شهری و قریب به اتفاق برنامه‌ریزی شهری در دهه گذشته، از بالا و از بیرون برای اجتماعات شهری انجام شده که اکنون نیاز به حرکتی از پایین و از درون، برای خودی و بومی شدن آنهاست

(صرافی، ۱۳۷۹، ص ۷۵). حال با توجه به پتانسیل‌ها و همچنین چالش‌های پیش روی مشارکت مردم در ایران و وجود اشخاصی همچون علامه طباطبایی رحمته‌الله که در این زمینه اظهار نظر جامع و کاملی دارند؛ می‌توان از وجود چنین افرادی برای بومی‌سازی مفهوم مشارکت در ایران بهره جست.

۳. سؤالات تحقیق

سؤالات مطرح در باب این مقاله بدین‌گونه است:

۱. آیا علامه طباطبایی رحمته‌الله در زمینه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت جامعه و شهر نظری ارائه کرده‌اند؟
۲. در صورت ارائه، نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله در مورد میزان و چگونگی مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت شهر و جامعه چیست؟
۳. آیا نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله و دیدگاه رایج مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، را می‌توان ترکیب کرد تا در بستر موجود کشور قابل بهره‌مندی شود؟

۴. اهداف تحقیق

هدف کلی از این تحقیق بررسی و تبیین مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله می‌باشد.

اهداف جزئی:

۱. تحلیل و بررسی نقش مشارکت در مدیریت شهری مناسب و حکمرانی خوب شهری؛
۲. تبیین نظریات علامه طباطبایی رحمته‌الله در مورد مشارکت شهروندان و مردم در اداره جامعه و نقش آنان در حکومت؛
۳. ارائه دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله در رابطه با مشارکت شهروندان در اداره جامعه.

۵. مفهوم مدیریت شهری

هدف سیستم مدیریت شهری به مثابه جزئی از سیستم حکومتی، اداره امور شهراست. نقشی که دولت برای این سیستم قائل می‌شود، تعریف این هدف را روشن می‌سازد. تردیدی نیست که این تعریف، هرچه باشد، هدف سیستم مدیریت شهری در جهت اهداف ملی بوده و با آن همسو است و از کلیات تبعیت می‌کند (داداش‌پور، ۱۳۸۰، ص ۸۶). شالوده مدیریت شهری عبارت است از برعهده گرفتن نقش فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ‌سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری (سعیدی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱-۱۳۳).

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی و شکل‌گیری مقیاس‌های جدیدی از رشد شهری در طی چند دهه اخیر موجب شده است که شهر و شهرسازی معاصر با چالش‌های نوینی مواجه شود. به دلیل گستردگی ابعاد و تغییر در ماهیت مسائل شهری و پیچیدگی این مسائل جامع‌نگری و توجه به ابعاد و جنبه‌های مختلف مسئله به منظور حل پایدار آنها را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در این میان توجه و تأکید برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها، بیش از هر زمان دیگری به سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است (فریدمن،^۱ ۱۹۹۳).

در پارادایم مدیریت شهری، نقش‌ها و کارکردهای شهری جدیدتری برای دخالت دادن نظام مدیریت شهری (شهرداری‌ها و شوراهای شهر) و شهروندان در برنامه‌ریزی در نظر گرفته شده است. رکن اصلی اجرای پروژه توسعه شهری نیز مشارکت همه جانبه افراد و گروه‌های شهری است. در مفاهیم برنامه‌ریزی، اصطلاح «توسعه از پایین به بالا»، ناظر بر نقش مشارکت مردم است. مشارکت شهری را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی و فعال گروه‌های شهری در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دانست. از دهه ۱۹۹۰م، وجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی صورت گرفته است؛ به طوری که این پارادایم در حال حاضر، به‌عنوان یکی از معیارهای ارزیابی عملکرد نظام مدیریت شهری محسوب می‌شود (نصیری، ۱۳۸۱، ص ۵۷). از آنجا که مشارکت شهروندان از ضرورت‌ها و الزامات توسعه پایدار شهری است، توسعه‌ای که بتواند نیازهای نسل امروز را بدون به مخاطره انداختن نیازهای نسل آینده تأمین کند، بدون مشارکت شهروندان توسعه پایدار شهری بی‌نتیجه می‌ماند (کوزنس،^۲ ۲۰۰۲).

مدیریت شهری در آینده به‌طور اعم و در قرن بیست و یکم به شکلی خاص‌تر مواجه با چالش خواهد بود؛ چالشی که خود برآمده از تغییر و تحولات فناورانه، جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی است. امروزه در دنیا پذیرفته شده است که توسعه پایدار شهرها در صورتی تحقق می‌یابد که اهداف مردم‌سالاری، برابری در خدمات‌رسانی و حفظ محیط زیست با شکل‌گیری مدیریت واحد شهری و با رعایت اصول علوم روز شهرسازی، حمل و نقل شهری و تقسیم عادلانه منابع و درآمد شهری توأمان دنبال شود (صالحی، ۱۳۸۱، ص ۵۱). هدف تئوریک سیستم مدیریت شهری، تقویت فرایند توسعه شهری است. به‌گونه‌ای که در سطح متعارف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود (داداش‌پور، ۱۳۸۰، ص ۸۷). جامعه جهانی نیز به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست، بلکه مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است. با توجه به اینکه شهرها به‌عنوان نیروی محرک رشد اقتصادی

1. Friedman

2. Cozens

و نیز کانون کار و فعالیت و موقعیت‌های اجتماعی کشورهای جهان محسوب می‌شوند، در وضعیت موجود مدیریت شهری بایستی دارای مؤلفه‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت‌طلبی، قانون‌مداری، کارآمدی، اجماع‌گرایی باشد (ترابی، ۱۳۸۳، ص ۶). مشارکت، شهروندان را مسئولیت‌پذیر بار آورده و به فرایندهای تصمیم‌گیری مشروعیت می‌بخشد؛ یعنی حمایت عمومی از تصمیم‌گیری‌های اتخاذی از سوی مسئولان باعث می‌شود مسئولان امر، به راحتی برنامه‌های خود را عملی نمایند (برون و هاریس، ۲۰۰۵^۱).

رابطه شهر و شهروندی دوسویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تأثیر قاطع و امکان‌پذیر دارد. اصلاح ساختار شهری و بهینه کردن شهرنشینی به اصلاح و بهینه کردن این رابطه نیاز دارد که مدیریت شهری سازماندهی این ارتباط را برعهده دارد، و باید همه جوانب موضوع را مد نظر داشته باشد و با دقت بررسی کند، چراکه برای دستیابی به شهر ایده‌آل راه طولانی و خطیری پیش روی ما نهاده است و تلاش عظیمی می‌طلبد (جاجرمی و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۱۰). مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی است. مشارکت فرایند درگیر شدن همه گروه‌های مردم در تمام مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی آنهاست و به همین دلیل شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی شور و مشورت، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفت‌وگوهای اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته است، همگان از آن به‌عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار سخن راندند. بنابراین می‌توان گفت که مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری، یکی از عناصر اصلی حکومت مردمی بوده، افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری، نقش ارزنده‌ای را ایفا کند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۲۰-۲۱).

۶. مفهوم مشارکت شهروندی در مدیریت شهری

تحولات ساختاری و کارکردی نظام‌های اجتماعی و سیاسی باعث ایجاد بسترهای متفاوتی در اداره امور شهرها شده است. شکل‌بندی و نقش دادن به بازیگران متفاوت عرصه شهری از جمله دولت، مردم، نهادهای مدنی و قانونگذار باعث شده است تا وظایف و تکالیف متقابل و دوسویه بین شهروندان و اداره‌کنندگان امور در سطوح ملی و محلی پدیدار شود. شهرها به‌عنوان مراکز سکونت‌دهی دارای کالبد و کارکردهای متفاوتی هستند. شکل‌گیری عناصر کالبدی در شهرها و ایفای نقش‌های متعدد نیز به‌وسیله بازیگران عرصه سیاسی و اجتماعی کشور رقم می‌خورد؛ اما اداره امور شهر

1. Brown & Harris

و رسیدگی به خواست‌ها و انتظارات شهروندان، نیازمند وجود بسترها و زمینه‌هایی است که بتوان در پرتو آن به چنین خواست‌هایی پاسخ معقول و منطقی داد. شهر، شهروند و مدیریت شهری به‌عنوان مفاهیمی هستند که ارتباط بسیار تنگاتنگ و نزدیکی با یکدیگر دارند (صرافی و عبدلهی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

واژه مشارکت^۱ به لحاظ لغوی به معنای درگیری و تجمع به منظوری خاص اطلاق می‌شود. درباره معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است؛ ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (موسوی، ۱۳۷۵، ص ۸۵). شهروندی ایده‌ای است که در اروپای غربی زاده شد. در قرن شانزدهم میلادی که همزمان با فراگیر شدنش انتشار یافته است؛ این موضوع یکی از فرایندهای جامعه مدرن است و در عرف جامعه‌شناسی دارای مرزهای تعریفی خاص و عموماً برخاسته از نگرش عقلانی نسبت به قانون و حقوق افراد در جامعه است (عباسی، ۱۳۸۷، ص ۴۵۷). باز اندیشی توسعه تاریخی شهروندی در جامعه مدرن را می‌توان در نظریه شهروندی مارشال که یکی از برجسته‌ترین نظریه‌های مربوط به شهروندی و حقوق شهروندی را ارائه داده است، مشاهده نمود. به نظر ایشان، شهروندی پایگاهی است که به همه افرادی که عضو تمام عیار جامعه خود هستند، داده شده است. به موجب قانون این افراد همگی دارای جایگاه، حقوق و وظایف شهروندی تثبیت شده‌اند و از آنان حمایت می‌شود. مارشال^۲ حقوق شهروندی را در سه حوزه اصلی می‌داند: حقوق قانون مدنی (آزادی‌های فردی، آزادی بیان، حق مالکیت و حق بهره‌مندی از عدالت)، حقوق سیاسی (حق رأی، حق شرکت در انتخابات و حق مشارکت سیاسی) و حقوق اجتماعی (حق بهره‌مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی) (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۰، ص ۲۸).

کارشناسان مسائل توسعه معتقدند که در جریان تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی، مردم به‌عنوان مرکز ثقل و ترکیب‌کننده منابع، امکانات و سرمایه، عامل اصلی پیش‌برنده محسوب می‌شوند (اسچوماچر، ۲۰۰۹، ص ۱۳۲).

از اوایل دهه ۱۹۷۰م، دولت‌های کشورهای جهان سوم به این نتیجه رسیدند که مشارکت مردمی شرط لازم برای برنامه‌ریزی توسعه است. با بررسی پیشینه علمی موجود فوائد مشارکت مردمی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. مشارکت مردمی بهترین شیوه سازماندهی فعالیت‌های مردم در جهت حل مسائل است؛
 ۲. با توجه به شناخت محیطی، مردم هر منطقه قادر به تصمیم‌گیری‌های منطقی درباره محیط و وضع موجود خود هستند؛

۳. شرط لازم برای ایجاد الگوی توسعه آن است که افراد ذی‌نفع فعالانه در برنامه‌ریزی آن

1. Participation

2. marshal

3. Schumacher

دخالت داشته باشند و نسبت به حسن جریان آن احساس مسئولیت کنند و در صورت لزوم برنامه بتوانند از نیروهای داوطلب و منابع محلی یاری گیرند (سیف‌الدینی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷).

مشارکت عمومی فرایند مؤثری است که از راه آن، مردم، اشخاص یا گروه‌های سازمان‌یافته می‌توانند به تبادل اطلاعات، بیان عقیده و ارائه نظر پردازند و از توانایی لازم برای تصمیم‌سازی برخوردار شوند (فینگر، ۲۰۰۲^۱، ص ۱۰۱). برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب یا استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه امکانات، مشارکت مردم راهکار اصلی و محوری به‌شمار می‌رود (چاکاربارتی، ۲۰۰۱^۲، ص ۲۳). «اوکلی» که گرایش خاصی به ابعاد کاربردی مفهوم مشارکت دارد، معتقد است که مشارکت عبارت است از حساس‌سازی مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ها براساس تلاش‌های سازمان‌یافته (معنی، ۱۳۸۲، ص ۲۷).

موضوع اصلی بحث این است که در جامعه سیاسی مدرن، دولت و شهروندان باید دارای حقوق و وظایف شهروندی دوسویه باشند (یعنی شهروندان حقوقی دارند که دولت باید به‌طور رسمی و قانونی از آن تضمین و حمایت کند و دولت نیز خواهان انجام وظایف قانونی از سوی شهروندان خود است). شهروندان نیز باید به صورتی آزاد و برابر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و روندهای جاری اجتماع سیاسی خود فعالیت کنند (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۰، ص ۱۲). مشارکت در مدیریت شهری به معنای ارتباط متقابل مردم با مدیریت شهر است به صورتی که بتوانند در شهر تأثیرگذار باشند. دخالت مردم در امور شهری از اصیل‌ترین شیوه‌های رشد ملی به حساب می‌آید، تجربه سودمند و شوق‌انگیز محلی در اداره امور جمعی، رغبت مردم را برای پرداختن به کارهای بزرگ‌تر ملی تحریک می‌کند و آنان با تکیه بر نتایج سودمند که از مشارکت محلی به دست می‌آورند، به مشارکت‌های بزرگ ملی کشوری راغب می‌گردند (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۶-۷).

۷. بررسی سازگاری اندیشه سیاسی علامه طباطبایی رحمته‌الله در رابطه با مشارکت مردمی

در ابتدا بهتر است نظریه ادراکات اعتباری را از دیدگاه علامه بیان کنیم.

«ادراکات اعتباری» در برابر ادراکات حقیقی - که از جهان خارج حکایت می‌کنند - گونه‌ای از ادراکات هستند که از جهان خارج حکایت نمی‌کنند و توضیح بیشتر آن خواهد آمد. همچنین «ادراکات اعتباری» عنوان نظریه‌ای است که علامه طباطبایی رحمته‌الله در آثاری که در دهه‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ نگاشته، آن را اظهار و تبیین کرده است. ادراکات اعتباری، نظریه ابتکاری علامه طباطبایی رحمته‌الله است که در آثاری چون رساله الاعتباریات؛ رساله الانسان فی الدنیا؛ حاشیه بر کفایه؛

1. Finger

2. Chakarbarty

اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقاله ششم «ادراکات اعتباری»؛ تفسیر المیزان و نه‌ایة الحکمة، تبیین شده و بنیادی برای مباحث ایشان قرار گرفته است (یزدانی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶).

علوم و ادراکات آدمی دو گونه است؛ یکی حقیقی و دیگری اعتباری. علوم و ادراکات حقیقی از خارج و هستی حکایت می‌کنند و علوم و ادراکات اعتباری حکایت از خارج نمی‌کنند؛ بلکه مقام آنها مقام جعل و اعتبار است. ضابطه و معیار علوم و ادراکات اعتباری این است که نخست: وابسته به قوای فعاله انسان است و در ثانی: در آنها «باید» یا «ضرورت» را بتوان لحاظ کرد (طباطبایی، بی تا (الف)، ج ۲، ص ۱۸۵).

۷-۱. انواع ادراکات اعتباری

خود ادراکات اعتباری به دو دسته اعتباریات اجتماعی و اعتباریات بالمعنی الاخص تقسیم می‌شوند. اعتباریات اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. اعتباریات عمومی ثابت غیر متغیر: اعتباریاتی که انسان از ساختن آنها ناگزیر است مانند: اصل متابعت علم، اصل اجتماع و اصل خوبی و بدی (حسن و قبح) (طباطبایی، بی تا (الف)، ج ۲، ص ۲۳۰)؛
۲. اعتباریات خصوصی قابل تغییر: مانند زشتی و زیبایی‌های خصوصی و اشکال گوناگون اجتماعات.

انسان می‌تواند هر سبک اجتماعی را که روزی خوب شمرده است، در زمان دیگر بد بشمارد؛ اما نمی‌تواند از اصل اجتماع صرف نظر کند یا اصل خوبی و بدی را فراموش کند (طباطبایی، بی تا (الف)، ج ۲، ص ۳۱۳).

دسته دوم: اعتباریات بالمعنی الاخص به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- علامه رحمته الله اعتبار حسن و قبح را در مقام عمل، وابسته به شخص و فاعل می‌داند. ایشان اعتباریات بالمعنی الاخص را در یک تقسیمی به دو دسته تقسیم می‌کنند:
۱. اعتباریات پیش از اجتماع: که با هر شخص انسانی همراه‌اند و در نسبت میان انسان و ماده خارجی ظهور و بروز دارند. بنابراین، احکام و قوانین ناظر به فرد انسان و ارتباط او با جهان خارج ثابت و احکام و قوانین ناظر به ارتباط انسان با جامعه و احکام و قوانین اجتماعی که در جامعه محقق می‌شوند، متغیر و پویا هستند. این اعتباریات عبارت‌اند از: وجوب، حسن و قبح، انتخاب اخف و اسهل، عدالت، اصل استخدام و اجتماع و اصل متابعت علم؛
 ۲. اعتباریات بعد از اجتماع: اعتباریاتی که با نوع مجتمع قائم‌اند، شخص فعل به اجتماع قائم است. این اعتباریات عبارت‌اند از: اصل ملک، کلام (سخن)، ریاست و مروت‌سیت و لوازم آنها و اعتبارات در مورد تساوی طرفین (طباطبایی، بی تا (الف)، ج ۲، ص ۳۱۵).

۷-۱-۱. استخدام، اجتماع و عدالت

از جمله اعتباریات پیش از اجتماع، سه اصل استخدام، اجتماع و عدالت است. توضیح این سه اصل چنین است: «انسان با هدایت طبیعت و تکوین، پیوسته از همه، سود خود را می‌خواهد (اعتبار استخدام) و برای سود خود، سود همه را می‌خواهد (اعتبار اجتماع) و برای سود همه، عدل اجتماعی را می‌خواهد (اعتبار حسن عدالت و قبح ظلم) (طباطبایی، بی تا (الف)، ج ۲، ص ۱۹۹). بنابراین، در تعریف رئالیستی نظریه ادراکات اعتباری از انسان، انسان موجودی است که از همه موجودات دیگر، سود خود را می‌خواهد و در واقع می‌خواهد دیگران را در خدمت خود و سود و منافع خود بگیرد؛ به خدمت گرفتن دیگران، همان اصل یا اعتبار استخدام است. این تعریف رئالیستی از انسان به نتیجه‌ای مثبت و مفید منتهی می‌شود؛ زیرا از آنجایی که انسان به جهت ساختار و ویژگی‌های وجودی، نیازمند زندگی اجتماعی منزلی و مدنی است و همه انسان‌ها دارای این نیاز متقابل و قریحه به خدمت گرفتن انسان‌های دیگر می‌باشند، پس با یکدیگر مصالحه می‌کنند و راضی می‌شوند به میزانی که از دیگران بهره می‌برند به آنها بهره برسانند. در نتیجه، قریحه استخدام در انسان به زندگی اجتماعی می‌انجامد و حکم اعتباری انسان به وجوب زندگی مدنی و اجتماع تعاونی، اعتبار اجتماع است و لازمه این حکم، حکم دیگری است به ضرورت استقرار اجتماع به گونه‌ای که هر صاحب حقی به حق خود برسد و نسبت‌ها و روابط میان اعضای اجتماع متعادل باشد و این حکم، حکم به عدل اجتماعی است (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۲، ص ۷۰ و ۱۱۶-۱۱۷ و همان، ج ۴، ص ۱۱۲-۱۱۳). بنابراین، عدل اجتماعی نیز در واقع، مبتنی بر همان اصل استخدام است.

۷-۱-۲. مُلک اجتماعی

در اجتماع‌های بشری، از آنجا که پس از تحقق زندگی و اجتماع منزلی و مدنی، حیات اجتماعی، منتهی به قریحه استخدام می‌شد، گروهی از قدرتمندان، همین که زمینه و فرصت را مهیا دیدند، با نادیده گرفتن قرارداد ضمنی و عملی اولیه استخدام متقابل، استخدام یک‌طرفه به نفع خویش را بر دیگران تحمیل می‌نمودند. بدین ترتیب، اجتماع در واقع از حالت اجتماع انسانی خارج می‌شود و انسان‌های دیگر به صورت امتداد وجودی شخص قدرتمند و جبار در می‌آمدند. این صورت از زندگی را به طور حقیقی نمی‌توان اجتماع نامید؛ بلکه همان استخدام مذموم و استبدادی است و این در حالی است که حتی در این استخدام یک‌طرفه و رژیم سیاسی استبدادی نیز قدرت اجتماعی سیاسی، برآمده از اجتماع آحاد مردم و متعلق به آنان است؛ اما در طول تاریخ، ستم و استبداد، مانع از التفات آحاد مردم به اعتبار «ملک اجتماعی» و ماهیت آن و اینکه از آن کیست می‌گردید (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۷؛ ج ۴، ص ۹۲-۹۴).

۷-۱-۳. شورا

اعمال ملک اجتماعی به شورا است. مفهوم شورا و تحقق خارجی آن چندگونه قابل تصور است که یکی از آنها نمایندگی مردم و نهادی چون مجلس شورا است که در کشورهای گوناگون وجود دارد. در اینجا مردم با انتخاب نمایندگان خود، از عرصه سیاسی کنار رفته‌اند و به‌طور مستقیم در اعمال مُلک اجتماعی که متعلق به خود آنان است دخیل نیستند. حال با حساب اینکه ملک اجتماعی و قدرت سیاسی از آن مردم است و اعمال آن نیز باید با نظر آنان باشد، هرچه تعداد بیشتری از صاحبان حقیقی قدرت سیاسی در اعمال آن دخیل باشند، مطلوب‌تر است (یزدانی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۳۳).

۷-۱-۴. رئالیسم تعاملی

عنوان رئالیسم را خود علامه انتخاب کرده است و از آنجایی که رئالیسم مورد نظر ایشان تعاملی است، می‌توان از آن به‌عنوان رئالیسم تعاملی یاد کرد. بنابراین، بحث و گفتگوی اجتماعی و تعامل فکر و اندیشه جایگاه ویژه‌ای در فهم و دریافت و کشف حقیقت دارد و صرف تفکر فردی برای رسیدن به حقیقت و دریافت پاسخ مسائل فکری و دریافت حقایق دین، کافی نیست. بنابراین در نظریه ادراکات اعتباری افزون بر اعتبار «ملک اجتماعی» از جهتی دیگر نیز به حوزه عمومی و عقلانیت جمعی می‌رسیم.

بنابراین، بحث و گفتگوی اجتماعی و تعامل فکر و اندیشه، موقعیت خاصی در فهم و دریافت حقیقت دارد و صرف تفکر فردی برای رسیدن به حقیقت و دریافت پاسخ مسائل فکری یا دریافت حقایق دین کافی نیست (یزدانی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴).

۷-۱-۵. ولایت جامعه اسلامی

علامه طباطبایی رحمته‌الله‌علیه در جلد چهارم تفسیر المیزان بیان می‌کند که در اسلام، امور عامه به حاکم و متصدی حکومت سپرده شده است تا در موارد داخلی و خارجی جامعه با مراعات صلاح جامعه و بعد از مشورت با مسلمانان، در مورد آنان تصمیم‌گیری بنماید (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۰-۱۲۱). در هر حال، امر حکومت اسلامی پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در زمان غیبت امام معصوم علیه‌السلام -مانند زمان کنونی- بلاشکال به مسلمانان واگذار شده است و از قرآن استفاده می‌شود که:

۱. بر مسلمانان است تا حاکم را براساس سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم انتخاب کنند و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام بود، نه پادشاهی و استبداد؛
۲. حاکم در میان مردم به محافظت از احکام رفتار کند؛
۳. در غیر احکام از حوادث وقت و محل (زمان و مکان)، حاکم با شورا امور جامعه را اداره نماید (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۱-۱۲۵).

۸. حکومت در جامعه اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه

در مواضعی آزادی و منفعت اجتماعی با آزادی و منفعت فردی تقابل پیدا می‌کند. در این صورت، جامعه منفعت خود را مقدم می‌کند. آزادی انسان هرچند فطری است؛ ولی جامعه نمی‌تواند فرد را به‌طور کامل آزاد بگذارد. اجتماع، خواه با عدالت باشد و خواه فاقد عدالت، مانع طغیان و سرکشی افراد می‌شود (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۶، ص ۵۰۴).

علامه طباطبایی رحمته الله علیه در پاسخ این پرسش که: «چه کسی ولایت جامعه را در اسلام برعهده دارد و رفتار او چگونه است؟»، می‌فرماید: «ولایت امر جامعه اسلامی با رسول خدا صلی الله علیه و آله است و وجوب طاعت او بر مردم و پیروانش صریح قرآن کریم است» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۱).

بحث ضرورت حکومت برای اجرای صحیح و کامل قوانین اولیه و قوانین جزایی امری مسلم است. «مجرد داشتن یک سلسله رسوم و مقررات در بقای جامعه کافی نیست» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۶، ص ۳۱۶)؛ و اجتماع را به هدف و کمال نمی‌رساند؛ بلکه قوانین باید اجرا شوند و اجرای قوانین هم مجری و ناظر می‌طلبد که همان حکومت است. در تاریخ هیچ‌گاه اجتماعی دیده نشده، مگر اینکه حکومتی در آن وجود داشته است. اجتماع ممکن است که با حکومت ظالم باقی بماند؛ ولی بدون حکومت، دوام نمی‌آورد.

«حکومت از اعتبارات ضروریه‌ای است که انسان از آن بی‌نیاز نیست. لیکن آنچه ضروری بودن آن را پیش می‌آورد، زندگی اجتماعی است؛ وگرنه خود از این جهت که فرد است نیازی به سلطنت ندارد» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۷، ص ۱۹۸).

۹. نحوه مشارکت مردم در اداره جامعه از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه

۹-۱. انتخاب حاکم و نظام حکومتی

انتخاب حاکم (و نظام حکومتی) در جامعه اسلامی با مسلمانان است^۱ و وظیفه حاکم و حکومت این است که: ۱. در میان مردم به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار کند؛ یعنی استبداد نوزد و حکومت، استبدادی نباشد؛ ۲. احکام الهی را پاس دارد و اجرا کند؛ ۳. در امور حکومتی و اداره جامعه، با مشاوره و شور، جامعه را اداره کند؛ ۴. در امور حکومتی و مدیریتی داخلی و خارجی، مصلحت جامعه را رعایت کند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۳).

علامه رحمته الله علیه در جاهای متعدد، در مقام تبیین شرایط و صفات حاکم دینی به لزوم فقاهاست حاکم

۱. سؤال ۶۹۶: آیا حکومت اسلامی، انتخابی است؟

جواب: راجع به ائمه اطهار علیهم السلام انتصابی است، از سوی خداوند متعال.

سؤال ۶۹۸: حکومت اسلامی، بعد از ائمه علیهم السلام برای دیگران چگونه است؟

جواب: مصلحتی است (رخشاد، در محضر علامه طباطبایی رحمته الله علیه، ص ۴۱۰ و ۴۱۱).

تصریح نمی‌کند، بلکه به صفات دیگری مانند تقوا، علم و مدیریت، اشاره می‌کند، مثلاً با اشاره به اینکه هدف حکومت دینی تأمین سعادت جامعه و دفع موانع آن است، می‌گوید: «و الذی یلزم وجوده هذا المطلوب امران: احدهما العلم بجميع مصالح حياه الناس و مفسدها و ثانيهما القدره الجسميه على اجراء ما يراه من مصالح المملكه» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۲، ص ۲۸۷).

علامه رحمته الله در جاهای گوناگون اشاره می‌کند که خطاب‌های قرآنی اعم از فردی، عبادی و اجتماعی به صورت عموم است و از آن برمی‌آید که همه آحاد جامعه مخاطب قرآن و آیات‌اند. گروهی از آیات عام، آیات حکومت و اجرای احکام اجتماعی است، لازمه خطاب آن به مردم این است که آنان موظف و مسئول اجرای آنند، بنابراین تشکیل حکومت و حاکم به خود مردم تفویض شده است و در نهایت حکومت معصوم از آن مستثنا شده است: «و استفاد من الجميع ان الدين صبغه اجتماعيه حمله... على الناس و لا يرضى لعباده الكفر ولم يرد اقامه الامنهم باجمعهم. فالمجتمع المتكون منهم امر اليهم من غير مزيه في ذلك لبعضهم ولا اختصاص منهم ببعضهم» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۲).

۹-۲. تعیین و مقرر کردن قوانین جامعه

وی با اشاره به مشورت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در جنگ اُحد با مردم حسب امر خداوند، اظهار می‌کند که خداوند از آن راضی بود (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۵۶-۵۷). علامه رحمته الله قلمرو مشورت را امور داخلی و خارجی مانند جنگ، صلح، امور اقتصادی و غیره ذکر می‌کند. «فلو الى الامر ان يعزم على امور من شئون المجتمع في داخله او خارجه مما يتعلق بالحرب او السلم ماليه او غير ماليه يراعى فيما صلاح حال المجتمع بعد المشاوره مع المسلمين» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۱). مبنای این نظریه آیات مربوط به شورا است که علامه به آنها استشهاد می‌کند.

۹-۳. اجرای قوانین جامعه

مردم مسئول زنده نگه داشتن حکومت، احکام و قوانین ثابت و متغیر شریعت‌اند و این با مشارکت در اداره کشور محقق می‌شود (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۴)، وی با اشاره به آیات اجتماعی دین و خطابات آنها به عموم مردم، چنین استنباط می‌کند که دین اسلام دین اجتماعی است که خداوند آن را برعهده تمامی مردم گذاشته است. «و استفاد من الجميع ان الدين صبغة اجتماعية حمله الله على الناس ولا يرضى لعباده الكفر ولم يرد اقامته الامنهم باجمعهم، فالمجتمع المتكون منهم امره اليهم من غير مزيه في ذلك لبعضهم ولا اختصاص منهم ببعضهم و النبي و من دونه في ذلك سواه» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۳-۱۲۴). علامه با اشاره به آیه «و الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ

أُولِيَاءَ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» (توبه، ۷۱) تأکید می‌کند که مؤمنان نسبت به دیگران دارای حق ولایت و سرپرستی‌اند و آن در تمامی ابعاد اجتماع جاری است (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۹، ص ۳۳۸). همچنین در بحث از احکام جزئی متعلق به حوادث جاری و زودگذر و متغیر، مانند احکام مالی و انتظامی مربوط به دفاع و راه‌های تسهیل ارتباطات و مواصلات و انتظامات شهری و مانند آنها می‌نویسد: «آنها به اختیار والی و متصدی «امر» حکومت واگذار شده... پس بر والی امر است که در امور داخلی و خارجی جامعه، [و امور] مربوط به جنگ و صلح و مالی و غیر مالی، صلاح حال جامعه را رعایت کند [و] پس از مشاوره با مسلمانان تصمیم بگیرد» (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۱۲۱).

۹-۴. نظارت و پایش

همان‌گونه که بیان شد مقصود از اجرای قوانین جامعه، سپردن اجرای احکام و حدود برعهده مردم است نه اجرای آنها از سوی مردم، بلکه مراقبت و نظارت مردم بر حسن اجرای آنهاست، چراکه علامه تصریح دارد، مسئول مستقیم اجرای احکام همان ولایت و حکومت است. ایشان از اصل امر به معروف و نهی از منکر در آثار خود به صورت متعدد نام می‌برد و از آن به «فریضه عمومی» و «جمعیت امر به معروف و نهی از منکر» تعبیر می‌کند (طباطبایی، بی تا (ب)، ج ۴، ص ۹۷).

۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به تبیین مفهوم مدیریت شهری و نقش مشارکت شهروندی؛ مشخص شد مشارکت شهروندی، از اصلی‌ترین ویژگی‌های مدیریت شهری است؛ به‌گونه‌ای که مدیریت شهری بدون مشارکت مردم و شهروندان، نمی‌تواند مردم را به منافع و خواسته‌هایشان در شهر برساند و به یقین دچار مشکل خواهد شد. در واقع مدیریت شهری، بدون مشارکت شهروندی امری ناشدنی است و مشارکت شهروندان و مردم جزء اصلی مدیریت شهری می‌باشد.

همچنین با توجه به مطالب بیان شده از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله، حکومت از آن مردم است و مردم حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و رأی برابر و حق نظارت بر حکومت را دارند. از نظر علامه طباطبایی رحمته‌الله، تحلیل فلسفی یاد شده، از سوی قرآن و اسلام نیز تأیید شده است و تنها یک تحلیل عقلی و فلسفی صرف نیست؛ بلکه صریح قرآن کریم و مستنبط از آن نیز می‌باشد. همچنین در نگرش ایشان، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام معصوم علیه‌السلام از جهت هدایت و دعوت و تربیت برای حکومت متعینند و این تعین به معنای نفی حق حکومت و مشارکت و نظارت مردم نمی‌باشد؛ چنان‌که سیره پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حاکی از آن است. تحلیل فلسفی علامه طباطبایی رحمته‌الله از اجتماع و حکومت، نشان می‌دهد که مبانی فلسفی و نظری مردم‌سالاری — که عبارتند از:

مردم صاحبان حکومت هستند؛ حق حکومت از آن مردم است؛ اداره جامعه باید با نظر مردم صورت گیرد؛ مردم در حق حکومت و اظهار نظر یکسانند و حق نظارت بر اداره جامعه را دارند - در تحلیل فلسفی ایشان وجود دارد.

با در نظر گرفتن دیدگاه مدیریت شهری و نقش شهروندان در مدیریت شهری و همچنین دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه درباره حکومت اسلامی می توان به این نکته پی برد که نه تنها شهروندان می توانند در مدیریت شهر نقش داشته باشند، بلکه مشارکت مردم و شهروندان در مدیریت و حکومت امری اجباری است و حکومت و مدیریتی که مردم در آن نقش نداشته باشند را دیکتاتوری می نامد.

با عنایت به موارد ذکر شده می توان نتیجه گرفت که از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته الله علیه، مشارکت شهروندان در مدیریت شهر امری اجتناب ناپذیر است و مدیر شهر نمی تواند بدون مشورت گرفتن از گروه های ذی نفع و ذی نفوذ که اصلی ترین آنها مردم و شهروندان هستند، اقدام به تصمیم گیری، قانونگذاری و اجرا کند و حتی خود بر کار خودش نظارت داشته باشد.

منابع

۱. ترابی، علیرضا (۱۳۸۳)، «مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب»، مجله شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن ماه.
۲. تقوایی، مسعود و همکاران (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری؛ مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز»، مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، پاییز، ص ۱۹-۳۶.
۳. جاجرمی، ایمان و همکاران (۱۳۷۷)، مدیریت شهری پایدار، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۴. داداش‌پور، هاشم (۱۳۸۰)، «مدیریت شهری؛ اهداف و راهبردها»، مجله تدبیر، شماره ۱۲۰.
۵. رخشاد، محمدحسین (۱۳۸۵)، در محضر علامه طباطبایی، قم: سماء قلم.
۶. سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور.
۷. سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۷۶)، «مشارکت مردمی و برنامه توسعه»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره دوازدهم، شماره دوم، بهار، ص ۱۴۷-۱۶۴.
۸. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۱)، «اجلاس سال ۲۰۰۲ کشورها در ژوهانسبورگ و اهمیت آن در مدیریت شهری»، فصلنامه شهرداری‌ها، شماره ۳۵.
۹. صرافی، مظفر (۱۳۷۹)، «مفهوم و مبانی مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، سال اول، تابستان.
۱۰. صرافی، مظفر و عبدالمهی، مجید (۱۳۸۷)، «تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار، ص ۱۱۵-۱۳۴.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱)، مجموعه مقالات و پرسش و پاسخ‌ها، به کوشش و مقدمه سیدهادی خسروشاهی، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. _____ (بی تا الف)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و پاورقی به قلم استاد شهید مرتضی مطهری، ج ۲، قم: انتشارات صدرا.
۱۳. _____ (بی تا ب)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جامعة المدرسین فی الحوزة العلمية فی القم المقدسه.

۱۴. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۳)، مشارکت (در مدیریت و مالکیت)، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۵. عباسزاده، محمد (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی شهر اصفهان)، پایان نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۱۶. عباسی، رقیه (۱۳۸۷)، بررسی فرایند مشارکت شهروندان در اداره شهرهای ایرانی، اولین همایش سراسری علمی و دانشجویی جغرافیا، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۷. معنی، منوچهر (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات آرون.
۱۸. موسوی، سیدعلی (۱۳۷۵)، «مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکتی»، مجله نقد و نظر، شماره ۷ و ۹، تابستان و پاییز.
۱۹. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
۲۰. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، «جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵، بهار، ص ۶-۱۵.
۲۱. نصیری، اسماعیل (۱۳۸۱)، «مشارکت شهروندان در مدیریت شهری»، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، تابستان، شماره ۶۲، ص ۵۶-۵۹.
۲۲. یزدانی مقدم، احمدرضا (۱۳۸۸)، «مردم‌سالاری دینی در پرتو نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی»، مجله حکومت اسلامی، سال چهاردهم، شماره اول، بهار.
23. Brown, Rebecca, and Harris, Glenn (2005), "Co Management of Wildlife Corridors: The Case for Citizen Participation in the Algonquin to Adirondack Proposal", *Journal of Environmental Management*, No. 74, PP: 97-106.
24. Chakarbarty, B.K. (2001). Urban management (concepts, principles, techniques and education).
25. Coznens. P. M (2002). Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British city, *Cities*, 19(2), pp: 129-137.
26. Fridman, John (1993), Toward a Non-Euclidian Mode of Planning-APA Journal, autumn – 482.
27. Finger, A., Finger, M (2002). Social factors enabling local people's participation in integrated management planning in the context of forested mountain territories, proceeding of the research course "the formulation of integrated management plans for mountain forests", Bardonecchia, Italy.

28. James, M.B (1991), *Managing the Modern City*, Chicago; Centre for Governmental Stickers.
29. Morgan, T.M (2003), *Environmental Health*, Wadsworth, Canada.
30. Schumacher, Ernst Friedrich (2009), *Small Is Beautiful*. Translated by Ali Ramin. Fifth Edition, Tehran: Soroush Press.